

ندا آقا سلطان



دختر جوان ایرانی که توسط مزدوران جمهوری اسلامی کشته شد.
بقیه در صفحه ۷

مرگ بر دیکتاتور!

پاسخ مردم به تهدیدات خامنه ای و فرماندهان انتظامی
برگرفته از سایت روشنگری
بقیه در صفحه ۵

عفو بین الملل: سخنرانی خامنه ای به خشونت پلیس مشروعیت می دهد

بقیه در صفحه ۶

سندیکای شرکت واحد: هرگونه سرکوب و تهدید نهاد
های مدنی محکوم است.
بقیه در صفحه ۷

فراخوان نهادهای مدنی و فعالان سیاسی و مدنی در کردستان سه شنبه، اعتصاب عمومی در کردستان!

بقیه در صفحه ۸

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان سرکوب خشن اعتراضات مسالمت آمیز مردم را محکوم می کنیم!

بقیه در صفحه ۲

* دیدگاه *

اعتصاب عمومی برای تداوم و گسترش جنبش اعتراضی مردم!

محمد رضا شالگونی

دعوت به اعتصاب عمومی از طرف جریان های مختلف فعال در
جنبش اعتراضی مردم در داخل ایران و نیز پشتیبانان آن در میان
ایرانیان خارج کشور، با شتابی چشم گیر در حال گسترش است.
بقیه در صفحه ۲

گور خود را می کنید!

ویلاگ زیتون:

به زن حامله و پیرزن و پیرمرد هم رحم نکردند.
چشم ها همه از گاز اشک آور سرخ بود.

بقیه در صفحه ۳

آذرخشی برسینه آسمان!

تقی روزبه

بقیه در صفحه ۴

تهران در آتش و خون!

گزارش ارسالی برای نشریه دانشجویی بذر ۳۱ خرداد ۸۸
بقیه در صفحه ۶

اخبار!

در صفحات ۷-۸

بقیه در صفحه ۴

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان سرکوب خشن اعتراضات مسالمت آمیز مردم را محکوم می کنیم!

افزایش روزافزون شرکت کنندگان در تظاهرات علیه تقلب و دستکاری انتخابات دوره دهم ریاست جمهوری و انعکاس اخبار آن در سطح جهانی، خامنه ای ولی فقیه را برآن داشت تا شخصاً معرکه گردانی مراسم خطبه نماز جمعه را بر عهده گرفته و فرمان سرکوب اقدامات اعتراضی مسالمت آمیز مردم را اعلام کند. اقدامات مسالمت آمیز اعتراضی و میلیونی که به اعتراف شهردار تهران تنها در روز دوشنبه گذشته سه میلیون نفر از مردم تهران در آن شرکت کرده و در طول تلمی هفته در شهرهای بزرگ ایران در ابعاد توده ای عظیم ادامه یافت.

از پی صدور فرمان سرکوب توسط خامنه ای امروز تمام مسیرهای راهپیمایی توسط ماشین های آب پاش، نیروهای امنیتی ویژه، لباس شخصی های نقابدار و مسلح، نیروهای گارد یا نیروی ویژه ضدشورش مسلح مسدود شده و به این ترتیب تظاهرات آرام خیابانی با خشونت و بی رحمی کم نظیری سرکوب شد. در موارد زیادی نیروهای سرکوب تجمع کنندگان را از طریق بستن راه ها فرعی و خروجی به محاصره در آورده و با پرتاب گاز اشک آور و یا تیراندازی، به آنها حمله کردند. تعداد زیادی به طور وحشیانه مورد ضرب و شتم قرار گرفته، دستگیر و مجروح شده اند. در فیلم های ارسال شده توسط مردم صحنه های دیده می شود که در آن تظاهرکنندگان در نتیجه تیراندازی به شهادت رسیده اند. سرکوبگران رژیم اسلامی برای آن که دست هر چه بازتری در سرکوب مردم داشته باشند نظام سانسور شدیدی برهمه رسانه ها اعم از بین المللی و داخلی برقرار ساخته و بدین ترتیب آمار دقیقی از زخمی شدن، به شهادت رسیدگان و نیز دستگیرشدگان در دست نیست! گزارشات دریافتی اشاره دارد که تعداد زخمی شدگان به قدری زیاد است که بیمارستان ها ظرفیت پذیرش همه آنها را ندارند. برابری عملیات سرکوب شعارهای "مرگ بر دیکتاتور"، "مرگ برای دولت مردم فریب"، "خامنه ای حیا کن، مملکت رو رها کن" طنین انداز شد. این اعتراضات خصلت سراسری داشته و در شهرهای بزرگی نظیر شیراز، تبریز، اصفهان... نیز جریان داشته است.

سازمان ما قویاً سرکوب وحشیانه تجمعات مسالمت آمیز مردم را محکوم می کند. همه دستگیرشدگان باید فوراً و بدون قید و شرط آزادی شوند. خشونت که امروز علیه مردم بکار گرفته شد اولین مرحله سرکوبی است که خامنه ای دیروز فرمان آن را صادر کرد. ما همه مردم آزادیخواه کشورمان را فرا می خوانیم که اعتراضات خود را در همه عرصه ها و در همه نقاط ایران گسترش دهند. باید با گسترش هر چه بیشتر اعتراضات به هر محل کار و محیط زندگی و به همه نقاط ایران، در روز و شب، دستگاه سرکوب رژیم اسلامی را فرسوده و بی اثر کرد. سازمان ما از همه سندیگاهها و تشکل های کارگری می خواهد در همبستگی با جنبش اعتراضی مردم، همه ابتکارات ممکن و موثر را برای فلج کردن رژیم جمهوری اسلامی به کار گیرند.

سازمان ما همچنین از همه سازمانها، احزاب و شخصیت های چپ و مترقی می خواهد با افشای رژیم ضد مردمی جمهوری اسلامی، با جلب افکاری عمومی بین المللی در حمایت از مبارزات مردم ایران، با تمام توان خود مردم ایران را در مبارزه برای رسیدن به جامعه ای آزاد و عادلانه کمک کنند. صفوفمان را فشرده کنیم و دست هایمان را در دست یکدیگر گره.

هر چه گسترده باید مبارزات سراسری مردم ایران علیه قوای قهریه دستگاه ولایت!

سرنگون یاد جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی

زنده باد سوسیالیسم

کمیته مرکزی سازمان انقلابی کارگران ایران (راه کارگر)

۳۰ خرداد ۱۳۸۸، ۲۰ ژوئن ۲۰۰۹

* دیدگاه *

اعتصاب عمومی برای تداوم و گسترش جنبش اعتراضی مردم!

محمد رضا شالگونی

دعوت به اعتصاب عمومی از طرف جریان های مختلف فعال در جنبش اعتراضی مردم در داخل ایران و نیز پشتیبانان آن در میان ایرانیان خارج کشور، با شتابی چشم گیر در حال گسترش است. به نظر من، بی توجهی به این فراخوان ها، بی توجهی به پویایی جنبش توده ای بزرگی است که در برابر چشمان ما جریان دارد و تمام جهان با بهت زدگی آمیخته با تحسین، گام های شجاعانه آن را نظاره می کند. اگر قبول داریم که جنبش اعتراضی مردم ایران علیه کودتای ولی فقیه، لحظاتی سرنوشت سازی را از سر می گذراند؛ اگر قبول داریم که حمایت از این جنبش، با همه ضعف ها و آشفتگی های آن، می تواند راهی به سوی آزادی و برابری در سرزمین استبداد زده ما بگشاید؛ اگر قبول داریم که بدون اقدامات مستقیم و مستقل خود مردم این کشور کسی "تقیبی به سوی نور" نخواهد زد؛ و اگر قبول داریم که حفظ توان و دامنه توده ای جنبش شرط مقدم و لازم هر نوع دگرگونی انقلابی است؛ پس باید هم اکنون با همه توانمان برای تداوم و گسترش همین جنبش نقداً موجود بپا خیزیم.

اعتصاب عمومی به چند دلیل اهمیت دارد:

نخست این که می تواند فشار نیروهای سرکوب بر تظاهرات خیابانی را (که حالا شکل اصلی جنبش اعتراضی است) کاهش بدهد. حقیقت این است که تظاهرات خیابانی محدودیت هایی دارد که نمی تواند از آنها فراتر برود و هرچه تمرکز نیروهای سرکوب روی آن بیشتر می گردد و بنابراین، هزینه شرکت در آن بالاتر می رود، شمار شرکت کنندگان در آن، خواه نا خواه، کاهش می یابد.

یوم این که تظاهرات خیابانی، علی رغم تمام اهمیتی که دارد، ضرورتاً از حوزه سیاسی فراتر نمی رود؛ در حالی که اعتصاب عمومی از لحاظ اقتصادی نیز رژیم را زیر فشار قرار می دهد. به یاد داشته باشیم که در جریان انقلاب سال ۱۳۵۷، اعتصاب عمومی در شکستن اراده دیکتاتوری شاهنشاهی نقش تعیین کننده ای داشت. بعلاوه تأثیر هر اعتصابی در زندگی شهری به مراتب بیشتر از مناطق روستایی است و اکنون جمعیت شهری ما نزدیک به دو برابر آن سال هاست.

سوم این که اعتصاب عمومی نقش و وزن طبقه کارگر را به طور اجتناب ناپذیر در جنبش توده ای عمومی بالا می برد. مثلاً اعتصاب کارگران نفت در پیروزی انقلاب ۱۳۵۷ بی هیچ اغراق تعیین کننده بود، در حالی که شمار کل کارگران نفت در میان مزد و حقوق بگیران ایران خیلی چشم گیر نبود. فراموش نکنیم که هر اعتصابی (تا چه رسد به اعتصاب عمومی)، همبستگی، آگاهی طبقه ای، ابتکار سازمانی نیروی کار را به طور گریز ناپذیر بالا می برد.

چهارم این که حتی خشن ترین دیکتاتوری ها معمولاً نمی توانند مردم را در محیط کار با همان خشونت سرکوب کنند که در اعتراضات و تظاهرات خیابانی؛ زیرا ناگزیرند پیامدهای اقتصادی و سیاسی بهم ریختگی ها و صدمات ایجاد شده در محیط کار را در نظر بگیرند.

در هر حال، اکنون فضای مساعدی برای شکل گیری اعتصاب عمومی در کشور وجود دارد و نقش آن در کمک به تداوم و گسترش جنبش اعتراضی مردم در لحظه کنونی غیر قابل انکار است. با این همه، فراموش نباید کرد که اعتصاب عمومی به امکانات سازماندهی و ارتباطی بسیار عظیمی نیاز دارد که دست یابی به همه آنها در شرایطی که رژیم می کوشد تمام زیرساخت ارتباطی جنبش را مختل سازد، دشوار است و ممکن است دشوارتر هم بشود. خوش بینی بی جا در ارزیابی معمولاً به تضعیف اراده معطوف به اقدام می انجامد. بنابراین نباید انتظار داشت که اعتصاب عمومی با یک فراخوان واحد از طرف جریان های فعال در جنبش اعتراضی به راه افتد. اما پی گیری در جلب توجه مردم به اهمیت سرنوشت ساز آن در شرایط کنونی، کاملاً ضروری است و می تواند از طریق موج هایی از اعتصابات پراکنده و منطقه ای، به شکل گیری آن بیانجامد. فراموش نباید کرد که شکل گیری اعتصاب

عمومی در انقلاب ۵۷ نیز در فراز و فرود روندی از پیکارهای توده ای صورت گرفت و نه از طریق یک فراخوان واحد. در کشوری که از تشکل های حرفه ای بزرگ خبری نیست ، چنین چیزی کاملاً طبیعی و اجتناب ناپذیر است.

مهم این است که اهمیت سرنوشت ساز لحظه کنونی را دریابیم و بدانیم که جنبش اعتراضی مردم نباید صرفاً به تظاهرات خیابانی محدود شود بلکه باید با اشکال دیگری از حرکت های توده ای ، مانند اعتصاب ، تحصن ، اجتناب از همکاری با نهادهای وابسته به رژیم ، و تحریم و بایکوت آنها، تکمیل گردد. اقدامات شجاعانه بخش های مختلف مردم در مخالفت با کونتای ولی فقیه ، افق های امید به شکل گیری ابتکارات گوناگون توده ای را روشن و روشن تر می سازد. پیوستن به این پیکار مقدس ، وظیفه شهروندی همه ماست. ۳۱ خرداد ۱۳۸۸

گور خود را می کنید!

وبلاگ زیتون:

امشب الله اکبرها سوز دیگر داشت. شعار مرگ بر دیکتاتور شدت بیشتری داشت.

خیلی ها بعد از الله اکبر مرگ بر رهبر هم اضافه کرده بودند... و ندا جان، ندا جان راهت ادامه دارد...

اولش مردم راضی بودند به عوض شدن رئیس جمهور.

با امید به عوض شدن شرایط رفیقیم رای دادیم.

بعد از تقلب عجولانه و تیریک عجولانه تر رهبر، مردم خیلی محترمانه گفتند ما قبول نداریم، آرا باید بازشماری بشود. هنوز راضی بودیم، رهبر باشد، تشخیص مصلحت باشد. شواری نگهبان باشد، به جهنم! حتی آن قانون اساسی کوفتی با هزار اشکال سرجاش باشد. فقط احمدی نژاد نباشد...

خودمان سر صنوق ها بودیم خبر داشتیم حدوداً هر کس چند رای آورده، پس اعتراض کردیم. تجمع کردیم. هر جا می رفتیم احمدی نژاد هم همانجا تجمع می گذاشت. با وقاحت ما را خس و خاشاک و کتافت خطاب کرد.

تجمع ها ادامه پیدا کرد. این بار به گفته شهردار سه میلیون نفر در راهپیمایی مسالمت آمیز در تهران شرکت کردند. بدون یک کلمه توهین و فحش، خودشان باورشان نمی شد و باچشم های گشاد به این منظره نگاه می کردند. آخرش بکیشان تاب نیاورد و تیراندازی کرد...

در تلویزیون مرتب به مردم معترض اوباش و اغتشاش گر گفته می شد. تحلیل گرانی آمدند و هر چه مزخرف و دروغ از دهانشان بیرون آمد گفتند و بر ایمان خط و نشان کشیدند. عصبانی تر شدیم.

موبایل و اس ام اس و یاهو و فیس بوک و... به رویمان بستند روی تلویزیون های ماهواره ای پارازیت انداختند. متحد تر شدیم. شب ها روی پشت بام دروغ گویی و دیکتاتوری این ها را فریاد زدیم. و مجبور شدیم (علی رغم لاییک بودن بعضی هایمان) از ظلم و جور شان به خدایی که ادعا داشتند می پرستندش و از او می ترسیدند پناه ببریم و الله اکبر بگوییم. ..

برای گرفتن حقمان هر روز به خیابان رفتیم. با وقاحت گفتند اینها عامل بیگانه اند. از اوپاما و سارکوزی و براون دستور می گیرند. بمب گذار و مجاهد تقلبی تراشیدند و به تلویزیون آوردند. مکالمه تلفنی تقلبی پخش کردند که مثلاً زنی از انگلیس رهبری جنبش را در دست دارد. هر چه دروغ گفتند و سعی کردند از هم جدایمان کنند متحدتر شدیم و عزممان برای گرفتن حقمان جزم تر شد. دیگر نمی توانستیم در خانه بمانیم. بهمان توهین شده بود. هر روز با همدیگر در خیابان قرار می گذاشتیم.

اما هر روز بدون دلیل مردم را به خاک و خون کشاندند. بیش از ده نوع نیروی ویژه مثل سنگ هار به جان مردم انداختند. راهپیمایی بزرگتری را تدارک دیدیم.

خیلی از روزنامه نگارها و وبلاگ نویس ها و روشنفکران شجاعی که فکر می کردند رهبری جنبش در دست آنهاست دستگیر کردند و طبق خبرها چند نفرشان هنوز زیر وحشیانه ترین شکنجه ها قرار دارند. رهبران در نماز جمعه آمد به جای میانجی گری ، اعتقادمان را به سخره گرفت. و با آوردن کل سپاهش از سراسر ایران خواست ارعابمان کند.

فهمیدیم ارتش ۲۰ میلیونی بسیج که قرار بود از منافع ملت دفاع کند برای رویارویی با مردم تربیت شده اند.

رئیس نیروی انتظامی با دماغ سفیدشده از شدت ترس آمد تلویزیون بر ایمان خط و نشان کشید که هر کس فردا به خیابان بیاید جانش پای خودش است.

کسانی که تا به حال ملتفت نشده بودند که خیابان ها هم مثل تمام ثروت این مملکت ارت پدري ایشان است و ابراز اعتراض در آن قدغن است حالیشان شد.

خیلی هامان وصیت نامه نوشتند. خیلی هامان باورمان نمیشد رژیمی که با راهپیمایی میلیونی مردم آمده و سوار شده، بیاید روی همان مردم آتش بگشاید.

دیروز گاز اشک آور و اسید و گلوله و باتوم بود که وحشیانه بر سر و روی مردم فرود می آمد. در بیمارستان ها و درمانگاه ها هم در امان نبودیم. خیلی ها به توصیه دکترها مجبور شدند با اسم دروغین و بدون استفاده از دفترچه بیمه از شکستگی های دست و پایشان عکس بگیرند و یا بخیه شوند. تا تحت تعقیب قرار نگیرند.

چهار جوان هابی را سوار وانت و کامیون کردند و تا می خوردند با باتوم زندانشان و چون در زندان دیگر جایی نداشتند با لگد از ماشین به پایین پرتشان کردند.

به زن حامله و پیرزن و پیرمرد هم رحم نکردند.

چشم ها همه از گاز اشک آور سرخ بود.

بهترین صحنه ها همکاری مردم و باز گذاشتن درهای خانه به روی معترضین و بدترین صحنه دیدن پیکر دختر زیبای ایران، ندا در فیلم بود که اشک به چشمان همه مان آورد...

امشب الله اکبرها سوز دیگر داشت. شعار مرگ بر دیکتاتور شدت بیشتری داشت. خیلی ها بعد از الله اکبر مرگ بر رهبر هم اضافه کرده بودند... و ندا جان، ندا جان راهت ادامه دارد...

دیگر مردم فقط به عوض شدن رئیس جمهور راضی نیستند. دیگر رهبر و بقیه بالایی ها را نمی خواهند.

همه احساس انزجار و نفرت داریم از حکومتی که به روی مردم پاک کشور گلوله می ریزد.

تا آخرش با هم می مانیم. چون

"اینان هراسشان ز یگانهگی ماست." ۱ تیر ۱۳۸۸

* پیوندها *

سردبیر نشریه : منصور نجفی

mansour.nadjifi@telia.com

ایمیل روابط عمومی سازمان

public@rahekarqar.net

تلفن روابط عمومی سازمان

0049-69-50699530

شماره فاکس سازمان

۳۳-۱-۴۳۴۵۵۸۰۴

سایت راه کارگر

www.rahekarqar.net

سایت رادیو برابری

www.radiobarabari.net

سایت اتحاد چپ کارگری

www.etehadchap.org

سایت رادیو صدای کارگران ایران

www.sedayekargaran.com

نشر بیدار

www.nashrebidar.com

نشریه انگلیسی ایران بولتن

www.iran-bulletin.org

توجه : مقالاتی که با کد " دیدگاه " مشخص

میشوند ، الزاماً بیانگر مواضع سازمان نیستند.

آدرخشی برسینه آسمان!

تقی روزبه

نگاهی به جنبش دروجه رهانی بخش خود!

اکنون حدود یک هفته است که جنبش ضددیکتاتوری، باخواست مشخص ابطال نتایج انتخابات دست کاری شده، حضورپررنگ و توده ای خود را درتظاهرات پی درپی و علیرغم غیرقانونی اعلام شدن آن ها و درمقابل نگاه های شکفت زده مردم جهان، به نمایش گذاشته است؛ فوران یک نافرمانی اجتماعی گسترده و پرشور از سوی مردمی که سالیان سال است سرکوب و تحقیر و استعمار می شوند. آنها اما اکنون برای تأمین حق تعیین سرنوشت خویش به حرکت درآمده اند. این نافرمانی عظیم و پرشکوه درشرایطی صورت می گیرد که مقامات رژیم، اعم ازخامنه ای، فرماندارو فرمانده نیروهای انتظامی و به همراه صداوسیما ضمن تهدید دامن تظاهرکنندگان به سرکوب بی مهلبا از خود دربرابری آمدهای آن سلب مسولیت کرده و رسماً قانون چماق را جایگزین چماق قانون کرده اند. جمعیت و راه پیمانی ها درشرایطی صورت گرفته است که ازقبیل اخباروشایعات گسترده ای مبنی بر اجازه تیراندازی توسط نیروهای سرکوب درمیان مردم وسیعاً منتشرشده است. و درواقع درهمان اولین تظاهرات میلیونی پس ازتغلب انتخاباتی، رژیم برای آنکه نشان دهد دراین تهدید خود جدی است و یکسوی سرشوخی ندارد، بقصد پراکندن ترس و بالابردن هزینه اعتراضات و برای آنکه مردم احساس پیروزی و اعتمادبه نفس نکنند، درپایان راه پیمانی باشقاوتی بی مانند فاشیستی عده ای را عمدانه به قصد کشتن به رگباریست؛ و باین ترتیب جنبش مسالمت آمیزمردم درهمان گام های اولیه با خون خود غسل تعمد یافت. آیا این جنایت ازجهاتی هفده شهریور انقلاب نوین مردم ایران بود؟ بهتر است به جای پیش گویی پاسخ قطعی به این سؤال را به سیررویدادها و تحولات آتی بسپاریم. اما آنچه که اکنون می توان گفت آن است که ارتکاب به این جنایت و جنایت کوی دانشگاه و سایر دانشگاه های کشور و نیز دیگر جنایت‌های روزانه ای که برای حاکم کردن جو رعب و ترس صورت می گیرد، نه فقط موجب وقفه درحرکت جنبش شده بلکه موجب اوج گیری و تداوم آن گردیده و مردم با خشم و جسارت و اعتمادبه نفس بیشتری به خروش درآمده اند (لازم به یادآوری است که نوشته حاضر قبل از اولتوماتوم روزجمعه خامنه ای و جنایت دیروزنگاشته شده است). بی شک بیرون آمدن از جو رکود مبارزاتی سالیان دراز، و گام نهادن در وادی نبردهای سیه‌گین و درمقیاس کلان با رژیم ددمنشی هم چون جمهوری اسلامی که در آن رسماً ولی فقیه خویشتن را صاحب جان رعایای صغیرمی پندارد، مستلزم یک دگرگونی عظیم درکنش و روحیه مردم است: پایان دادن به روحیه تسکین و تسلیم به قلدری، به درد ورنج کشیدن درخلوت خود، و کشف معجزه نیروی جمعی و همبستگی، مردم درمی یابند که اگر درد ورنجشان را باهم تقسیم کنند و اگر مقاومت و انزجار فردی خویش را باهم همگامه نمایند، و اگر دستهای خود را با یکدیگر گره بزنند، نیروی شگرف دگرگون کننده ای برای برون رفت ازگرداب نکبت و فلالکتی که به آن گرفتار آمده اند، آرزومی شود. شعارنترسید، نه لرزید ماهمه باهم هستیم، چیزی جز بیروظهور اکسیرحیات بخش همبستگی درمقابل چشمان ما نیست. و اگر در نظر بگیریم که مترسک تاوقتی رعب انگیز است که کسی پی به مترسک بودنش نبرده باشد، پس وای به وقتی که مردم به پوشلی بودن اقتدار رژیم پی به برندن. آنگاه است که عرش کبریا نی استبداد شروع به لرزیدن میکند و سردمداران جمهوری اسلامی باید سوره ادا زلزله الارض زلزالها... را بخوانند! رویدادها چنان شتاب می گیرند که گاهی انسان ناخود آگاه از خود می پرسد آیا براستی آنچه که در برابر چشمان حیرت زده اش می گذرد، رستاخیزی است درجهان وهم یا درجهان واقعیت؟ گرچه دیگر فرصتی برای این گونه خیال بافی ها و اگر و مگرها باقی نمانده و یک بار دیگر سوت حرکت قطار انقلاب باهمه پیچ و خم ها و افت و خیزها و توقف های مقطعی اجتناب ناپذیرش- به صدا درآمده است. مردم می گویند چون فریاد برمی آوریم و چون به حرکت درآمده ایم پس هستیم و گر نه درحکم هیچ و بوجیم و خس و خاشاک محسوبمان می کنند! آنها روزها بتسخیر خیابانها و شبها با تسخیر بام ها و کوجه ها و بهم دوختن رزم روزانه بارزم شبانه این تحول شگرف خود را به چهار گوشه عالم رله می کنند. و باین ترتیب درشرایطی که جامعه ایران با شتاب زیادی درحال سقوط به ورطه انحطاط و نفی ارزش های اجتماعی، غلبه تنگ نظری ها و خرده بینی ها، و بیگانگی روزافزون با تعاون و همبستگی انسانی بودوهر کسی بی اعتنا به رنج و درد هم نوع خویش و به تنهایی تلاش می کرد تا کلیم خویش را در رقابت با دیگران از آب بیرون بکشد؛ آری!

درشرایطی چنین غیرانسانی که استبداد سرمایه و مذهب بر جامعه مستولی ساخته بود و درهنگامی که افق بیش ازهر زمانی دیگر تیره تر از بنظرمی رسید، ناگهان آدرخشی درآسمان جهید و خطی روشن درپهنه تاریک آن نمودارگشت. پرتوی خیره کننده برمسیر پیرسنگلاخ پیشرو افکنده شد. گویی آن اسطوره آرش واری که دراندرون تک تک مردم رنج کشیده سکنی گزیده بود و خموشانه، ناگهان جانی تازه یافت و به یک واقعیت زنده و فرارونده تبدیل شد! شاید هیچ عبارتی زیباتر و حماسی تر از این شعارتظاهرکننده گان ۲۵ خرداد که مخاطب آن مستقیماً احمدی نژاد رئیس جمهور نظر کرده ولی فقیه بود، حکایت این فرایند بیداری و این خودبیاوری و "برای خود شدن" را به نمایش نگذارد:

آن خس و خاشاک تویی، بیست ترا خاک تویی، شورمنم نورمنم، عاشق رنجورمنم زورتویی کورتویی، هاله نورتویی، دلیری باک منم، مالک این خاک منم!

آری! بیان توصیفی زیبایی است از جنبش توسط خود جنبش. و بدین سان درمتن یک کنش درخشان و انسانی شگفت انگیز شاهد ارجاع عشق، نفرت از زور و سلطه، بینایی، بی باکی، ضد هاله نور بودن و خویشتن را مالک خود و خاک انگاشتن؛ به سرمنشاء اصلی خود هستیم. جنبشی که همچون اولین نسیم بهاری بشارت دهنده باروری و زایش و زیبایی و رنگرنگی است. جنبشی که پا به میدان نهاده است تا بگوید همه آن عناصر رهانی و آزادگی را که در طی این سالهای نکبت و فلاکت توسط مذهب و سرمایه بزروار و استاده اندوبیگانه باوی برای به بند کشیدنش بکار می گیرند، متعلق به خود اوست و همه آن نکبت و فلالکتی را که باو تحمیل کرده اند از آن دشمنان اوست. بی تردید این یک لحظه رهانی بخش است در نفی انکارشدگی و انکارکننده گان و فریادتی است برای وحدت مجدد خود با آنچه که از وی به تاراج برده بودند.

جنبش به مثابه یک ناسازه!

با این وجود اشتباه است اگر که جنبش را یک پدیده یک دست، سازه و ذاتاً خالی از خطا و تناقض بیان کنیم. برعکس یک جنبش بیش از هر چیز یک ناسازه است و آمیزه ای است از نقاط ضعف و قوت و توانایی ها و ناتوانی ها، عناصر رهانی بخش و اسارت آور، تاریکی و روشنایی، گذشته و آینده، سلطه و ضد سلطه، آگاهی و توهم و... جنبش در لحظه تولد اساساً فریادی است علیه وضعیت موجود و باهمه نارسایی های که وضعیت موجود با خود به همراه دارد و آن را با هزاران رشته پیدا و ناپیدای متصل کننده به نظام موجود در هر لحظه تولید و باز تولید می کند. و درمتن این فریاد است که جنبش می تواند هم خود را بیافریند و زنجیرهای انقیاد را یکی پس از دیگری پاره کند و هم درهمان حال می تواند زنجیرهای تازه ای را به دست و پای خود به بندد. گرایش ها و روندهای گوناگون و با درجات گوناگون از قوت و ضعف وجود دارند که فرادستی هیچ کدام از آنها بخودی خود و از قبیل مقدر نیست و این عناصر آگاهی و چگونگی سازمان یابی و شیوه مبارزه ازهم اکنون است که بر زمینه مستعد و بالقوه رهانی بخش جنبش به مثابه فریادی علیه ستم و تبعیض، در آفرینش آن و در غلبه این با آن نقش اساسی خواهد داشت. به محض آنکه جنبشی اعلام می کند "من هستیم" تمامی اهرم ها و سازوکارهای گوناگون سرکوب برای سترون ساختن آن و حفاظت از سیستم موجود به کار می افتند. نه فقط از جانب دشمن قرار گرفته در مقابل جنبش و باصطلاح از طریق سرکوب سخت افزاری بلکه هم چنین از درون و از طریق سرکوب باصطلاح نرم افزاری. آری تسخیر از درون به موازات سرکوب از بیرون از مهمترین علل ناکامی جنبش های گذشته بوده و لاجرم مقابله با آن مستلزم هوشیاری بیشتری است. البته همانطور که اشاره شد ناسازه بودن یک جنبش نوپا با توجه به آنکه از دل وضعیت موجود و بر علیه تبه کاران حاکم بیرون می آید امر عجیبی نیست. مهم آن است که جنبش با تکیه بر نقاط قوت خویش بتواند خویشتن را از ورطه نقاط ضعف بیرون بکشد. جنبش وقتی به بیراهه می رود که در فرایندی بیگانه سازیا با منشأ حیات بخش خود قرارگیرد و خویشتن را که منبع زاینده تغییر، آزادی و عدالت اجتماعی، مالک خود و خاک بودن، ضد سلطه و زور بودن است، به دیگران تفویض نماید. بی تردید تفویض داوطلبانه گوهرا صیل خویش- خودفرمانی و خود بنیاد بودن و خلاقیت خویشتن- به نیروی بیرون از خود و سربیه فرمان شدن، مهمترین خطری است که هر جنبش نوپا را تهدید می کند. در این مورد بخصوص بازخوانی تجربه انقلاب بهمن بسیار آموزنده است. مطابق این تجربه مردم در اوج اقتدار و قدرت نمایی خود در برابر ماشین عظیم سرکوب شاه و حامیان جهانی اش، همزمان تصویر خمینی را در ماه جستجوی کردند و وقتی هم او را در کنار خویش و بردوش خویش یافتند، یکدل و یک جان، هر آنچه را که دستاورد خودشان بود به کرامات و هاله نور منتسب کردند. و باین ترتیب در اوج پیروزی تخم فاجعه

اسارت بعدی، یعنی تسلط ولایت فقیه بر خود، بدست خودمردم کاشته شد. از این رو این بار باید سخت به هوش باشیم که در مقابل برای بزرگترین خدایگان و یک "هاله نور"، خدایگان و هاله نور جدیدی را جایگزین آن نکنیم. همین تجربه در ایجاد کوچکتری در دوم خرداد ۷۶ هم تکرار شد. هنگامی که مردم باور ایزکردن اعتماد خود به خاتمی به مثابه بخشی از حاکمیت و وابسته به جناح دیگر، فرصت بدست آمده را از دست دادند. بنابراین نهادن درست خشت های نخست در مرحله تکوین اولیه جنبش از اهمیت زیادی برخوردار است. و گرنه مجددا گرفتار همان دورباطلی خواهیم شد که از مشروطیت تاکنون بر مبارزه ضد استبدادی رفته است و موجب بیدار شدن آن همه مبارزه و فداکاری شده است. اکنون که یکبار دیگر بیخاسته ایم برای زنده نگهداشتن امید مان به تغییرات ژرف، لازم است که از تکرار تجربه های منفی گذشته اجتناب ورزیم. یکی از درسهای این تجربه که به گمان من مهم ترین آن نیز هست، اجتناب از تکرار وحدت کلمه و تلاش برای تقویت و تثبیت خصلت پلورالیستی جنبش است:

بسوی یک جنبش پلورالیستی!

پلورالیستی ماندن جنبش از اهمیت بی مانندی برای تضمین خصلت دموکراتیک آن برخوردار است. در واقع جنبش به مثابه تجلی حضور افشار گوناگونی از کارگران و زحمتکشان و معلمان و پرستاران، شاغلین و بیکاران، زنان و جوانان و اقلیت های قومی و ملی و مذهبی و هنرمندان و... همواره دارای تنوع و رنگارنگی در مطالبات میثقی و سیاسی و فرهنگی و... است. از همین رو در واقعیت عینی- صرف نظر از درجه باقوه گی و بالفعلی آن- به مثابه جنبشی از جنبش های اجتماعی گوناگون وجود داشته و وحدت در کثرت و رنگارنگی در عین اشتراکات از بارزترین مشخصات آن است. باین وجود همواره در جامعه استبداد زده و یکدست زمینه مساعدی وجود دارد که مبارزان علیه استبداد و فلاکت، در فضای بسته و متمایل به دوقطبی مبارزه دچار آفت یکدستی وحدت کلام و شعار و صف بندی شوند که برای دموکراسی هم چون سم خطرناکی محسوب میشود. این تصور که گویا قدرت و موفقیت از یک رنگی و یکدستی (پده واحد) و یک صدائی، و لاجرم خاموش کردن تنوع مطالبات زاینده میشود، تصوری است نادرست که موجب سترون شدن جنبش و تهی شدن آن از درون و لاجرم باز تولید همان تبعیضاتی می شود که بر علیه آن به قیام برخاسته است. اگر که تکرار وجود جنبشهای اجتماعی گوناگون یک واقعیت عینی و برآمده از خود جنبش است، بنابراین یک جنبش بالغ و دموکراتیک باید بتواند بازتاب دهنده همه آن تنوع ها، هم چون ستم طبقاتی، ستم جنسی و ملی و مذهبی و... باشد. بی شک تأکید بر اشتراکات و مطالبات عام و فراگیر برای تحکیم صفوف متحد و یک پارچه جنبش دارای اهمیت انکارناپذیری است، اما مساله نه بر سر تضعیف آن بلکه در نظر گرفتن خصلت پلورالیستی همین شعارهای عام و مشترک است. چرا که یک شعار و مطالبه فراگیر و عام برای کارگران و معلمان و زنان و جوانان و... دارای معانی و خود ویژگی های متفاوتی است که در کنار هم به یک شعار عام و مشترک معنای واقعی می دهند و به همین دلیل یک شعار فراگیر و عام باید بتواند از یکسو تبلور آنها باشد و از سوی دیگر در میان افشار گوناگون ترجمان و بازتاب دهنده منافع متفاوت و خودبویزه آنها یعنی پیوند ارگانیک بین عام و خاص باشد. و گرنه شعار عام تبدیل به ابزاری برای منجمد کردن این مطالبات و سلب معنای واقعی و ملموس شعار عام می گردد. و البته باید اضافه کرد که ابزار سرکوب برای گرایش فرادست و متعلق به طبقه حاکم. بی تردید یک جنبش متکثر و همبسته یک شبه شکل نمی گیرد، اما نهادن درست خشت اول بهنگام تولد و درگام های نخستین و قبل از آنکه گرایشهای بیگانه با جنبش مجال سیطره بر جنبش را پیدا کنند دارای اهمیت زیادی است. مهم است بدانیم که چنین چیزی نه فقط موجب تضعیف و پراکنگی دامنه جنبش و رزمندگی آن نمی شود بلکه برعکس موجب تقویت صفوف آن و تمرین منش دموکراتیک از هم اکنون می گردد و مانع بازتولید استبداد آتی. وحدت کلمه افسونی است که طبقات حاکمه از آن برای کنترل جنبش و کسب هژمونی خود سومی جویند. هم چنین نباید فراموش کرد که رژیم از طریق جناحهای رقیب و رقابت های درونی آنها و شخصیت های خود پرورده اش در میان صفوف جنبش نفوذ دارد. علاوه بر این طبقه حاکمه از طریق رسوخ دیرپای باورها و عادات و فرهنگ ها، و درونی ساختن آنها در تک افراد آن حضور و نفوذ دارد. از همین روستا غالباً بدون آنکه خود بدانیم، گاهی در خاموش ساختن پلورالیسم جنبش بدست خودمان و در ترفیض گوهرا صیل خود به دشمنان خویش مشارکت می کنیم.

برای نمونه بهتر است نگاهی به جنبش کنونی از منظر آسیب پذیری فوق داشته باشیم: دوماً مشخصه مهم جنبش هم اکنون موجود را می توان

درد و شعاری جنگم، می میرم، رأی مو پس می گیرم (بعنوان یک شعار مشخصی که جنبش حول آن شکل گرفت) و مرگ بردیکتاتور مشاهده کرد. دوماً شعاری که فی نفسه مترقی بوده و می تواند مبین رزمندگی باشد و هست. باین وجود رویکردی وجود دارد و بر آنست تا شعار نخست پس گرفتن رأی رایج سازش با همین حکومت تنزل دهد و شعار دوم یعنی مرگ بردیکتاتور را یا مسکوت بگذارد و یا آن را به یک شعار کلی و بی یال و اشکم مبارزه قدرت یک جناح علیه جناح دیگر تنزل دهد. و حال آنکه می دانیم مبارزه علیه دیکتاتوری برای افشار گوناگون اجتماعی دارای خود ویژگی ها و معانی گوناگونی است. مثلاً برای زنان ستم استبداد حاکم دارای بار مضاعفی است که الزاماً برای مردان چنین نیست. و همین طور است برای بیکاران در مقایسه با شاغلین و... بنابراین اگر قرار باشد این نوع خود ویژگی ها و مثلاً مطالبات اخص زنان به عنوان نمیی انقلاب، جامعه، تا اطلاع ثانوی معطل شود شاهد تحلیل رفتن مطالبات و صف مستقل زنان در جنبش عمومی باشیم، چه تضمینی وجود دارد که آبیاری جنسی بر زنان تداوم پیدا کند؟ بنابراین طرح مطالبات زنان در صفوف جنبش از هم اکنون و تبدیل آنها به خواست مشترک و فراگیر همه گان، قبل از همه توسط خود صفوف متحد زنان دارای اهمیت پایه ای است. همانطور که مطالبات جنبش کارگری و مطالبات سایر جنبش ها نیز دارای اهمیت پایه ای است. بنابراین اولین و مهمترین درسی که از بازخوانی تجربه انقلاب بهمن و هم چنین تجربه دوم خرداد سال ۷۶ حاصل می شود همانا تأکید بر تکرار در عین اتحاد حول اشتراکات در صفوف جنبش از همین امروز است. فردا بسیار دیر است و پیش برد این وظیفه بسیار مهم با گسترش فرهنگ دموکراتیک از یکسو و حضور جنبش های اجتماعی گوناگون با رنگ و بوی خود در متن جنبش عمومی و حک کردن این تنوع از هم اکنون بر پیشانی جنبش میسر می گردد و امری است مربوط به تک تک شرکت کنندگان در جنبش. مبارزه علیه استبداد اگر با مبارزه علیه مظاهر آن در درون خود جنبش همراه نگردد، و اگر با عبور شعارهای عام از منشور منافع به حق افشار و لایه های گوناگون پلورالیستی نشود، تضمینی برای بازتولید استبداد و آنچه که علیه آن مبارزه می کنیم وجود نخواهد داشت. در بهترین حالت فقط موفق به تعویض شکل استبداد و جایگزینی آن با شکل دیگری از استبداد خواهیم شد. رأی جنبش باید در کنار اشتراکات پایه ای خود رنگین کماتی از همه رنگ ها باشد و بیاسیطره یک رنگ بر خود مقابله کند. البته نیازی به گفتن ندارد که تلاش برای بر طرف ساختن آسیب پذیری فوق در مغایرت با بهره گیری اصولی از تضادهای درونی رژیم و امکاناتی که از قبل آن می توان بدست آورد ندارد. هم چنین لازم به اشاره است که نقاط آسیب پذیر جنبش فقط به مورد فوق خلاصه نمی شود و امیدوارم که در فرصت های بعدی به ابعاد دیگری از آن به پردازم. ۲۰۰۹-۲۰۰۶-۳۰-۰۳-۸۸

بیانیه کانون نویسندگان ایران

درباره ی رویدادهای خونین اخیر

سرانجام، انتخابات نمایشی و غیر دموکراتیک خردادمانه به خون مردم رنگین شد. فرجام این سناریوی ضد دموکراتیک چیزی جز این نمی توانست باشد.

روزنه ی کوچکی مانند این انتخابات، که حاکمیت ناگزیر از گشودن آن بود، کفی بود تا خواسته های سرکوب شده و انباشته ی مردم از آن فوران کند و به موجی گسترده بدل شود که در روزهای گذشته شاهد آن بوده ایم. ما بدون توجه به بازی قدرتی که میان نامزدها و جناح های مختلف ساختار قدرت در جریان است، و جدا از سودهایی که گردانندگان نمایش انتخابات در سر دارند، سرکوب مردم و به خاک و خون کشیدن جوانان آزادی خواه این سرزمین را محکوم می کنیم و بر این باوریم که تا آزادی بی قید و شرط احزاب، سندیکاها، اتحادیه ها و انجمن های آزاد و مستقل تأمین نشود، تا آزادی اندیشه و بیان بی هیچ حصر و استثناء محقق نشود، تا بساط سرکوب به طور جدی و کامل برچیده نشود، مشکل مرحله ی کنونی تاریخ جامعه ی ما حل نخواهد شد.

به سرکوب و کشتار مردم پایان دهید! به اراده ی مردم گردن نهید!

کانون نویسندگان ایران

۲۶ خرداد ۱۳۸۸

تهران در آتش و خون!

گزارش ارسالی برای نشریه دانشجویی بند ۳۱ خرداد ۸۸

شنبه ۳۰ خرداد ۸۸ - ۲۱ کشته و صدها زخمی

روز شنبه تهران شاهد شورشانیگیزترین و خونین ترین تظاهرات از آغاز تظاهرات میلیونی در پی نقاب بزرگ در انتخابات و کودتای اخیر بود.

قرار بود تجمع از ساعت ۵ از میدان انقلاب به سمت میدان آزادی آغاز شود. اما از ساعت سه بعد از ظهر حکومت تعداد بسیار زیادی از نیروهای بسیج و سپاه و وزارت اطلاعات و لباس شخصی های آموزش دیده را مجهز به باتوم اسیری فلفل و گاز اشک آور و کلت و موتورسیکلت های پرشی تندرو به صحنه آورده بود و در اکثر چهار راهها منتهی به خیابان آزادی گله های بسیجی که با لباس پلنگی و کلاهخود و باتوم بودند ایستاده بودند. حکومت هر کسی را که حاضر بود در جنایات امروز سهم بگیرد از حراست ادارات گرفته تا بسیجی های یونیفرم پلنگی خاکستری تا اطلاعاتی های جلیقه پوش و نیروهای جنگی سپاه را بکار گرفته بود تا نیرویش هر چه بیشتر بنظر آید.

در خیابان آزادی صدها موتور سوار مجهز به لباس های مشکی رنگ و باتوم کسانی که به روبرو کاب معروف شده اند - در خط اتوبوس تند رو بی اتری مرتب بالا و پائین رفته و باتوم های خود را به رخ مردم می کشیدند. امروز در حقیقت اعلان حکومت نظامی بود و قرار بود که سپاه مردم را با سرکوب و خونین و دستگیری های وسیع مرعوب کرده و به خانه هایشان بفرستد اما اینگونه نشد مردم مبارز و قهرمان درسی به مزدوران بی روحیه و نا کارآمد رژیم نشان دادند که در تاریخ ماندگار شد.

بغیر از نیروهای گارد ویژه سپاه آنهم بیشتر موتورهای پرشی اش، سایر نیروهای حکومت نه به لحاظ آمادگی بدنی و نه به لحاظ آموزش برای جنگیدن چندان آماده نبودند و بهمین خاطر بود که گوشمالی سختی خوردند و از سر بزندی و رسالت پسمت جوانان مبارز و قهرمان شلیک کرده و بنا بر اخبار رسیده حداقل ۱۹ نفر و حداکثر ??? نفر را کشتند و صدها نفر را زخمی کردند.

حدود ساعت ۵ صدها نفر از مردم مبارز از دو جهت خیابان آزادی بسمت میدان آزادی در حرکت بودند. گله های مزدوران سپاه و بسیج هر کدام بنا بر فراخور آموزشی که طی دو سال اخیر برای چنین روزی دیده بودند هر یک ادا و اطواری در می آوردند. برخی باتوم هایشان را بر سپر پلاستیکی شان می کوبیدند و برخی باتوم را به نرده ها می کشیدند تا سر و صدا ایجاد شود. اما مردم را بنای عقب نشینی از صحنه نبود. بالاخره در حوالی وزارت کار و بهبودی و مترو آزادی و بزرگراه یانگار امام گله های بسیجی- گارد ویژه، بطرف مردم حمله کرده و سعی در متفرق کردن آنان نموده و با باتوم به سر و کله عابریان زدند. مقابله و جنگ و گریز شروع شد. تعدادی از مردم به کوچه های فرعی رفتند و از آنجا با سنگ بطرف نیروهای ضد شورش حمله کرده و آنان را عقب می راندند.

جنگ و گریز در خیابان آزادی ادامه داشت خبر رسید که در خیابان های ستارخان و آذربایجان و جیحون و بزرگراه آزادی و میدان توحید و میدان ولیعصر و میدان انقلاب و میدان ونک و تهرانپارس و درگیرهای پراکنده راه افتاده و در میدان آزادی صدها هزار نفر شروع به گردم آبی کرده اند.

من با گروهی که باهاشون بر خورده بولم بعد از مدتی درگیری با چندین نیروی حراستی و بسیجی و گارد ویژه با شعار "مردم چرا نشستن ایران شده فلسطین" و "مرگ بر دیکتاتور" و آتش زدن دو سطل زباله پلاستیکی به سمت خیابان آذربایجان رفتیم و مشاهده کردیم که چند صد تظاهر کننده با حمل پرچم بزرگی به سمت تقاطع کارون و آزادی در حرکتند. اما از آن سمت نیروهای چمقادر گاردی و بسیجی با آنها در گیر شدند. در دیگر سوی خیابان آذربایجان در تقاطع رودکی صدها جوان مبارز تقاطع را در تصرف خود داشتند و آتش بزرگی برپا کرده بودند. بعد از مدتی نیروهای سپاهی از بالا شروع به حمله کردند که تعدادشان حدود ۱۵ نفر بودند. جمعیت شورشی با روحیه عالی بسرعت صدها سنگ و چوب جمع کرده و به مقابله پرداختند و بسرعت آنها را عقب نشاندند. اما آنها از نیروهای موتور و بسیجی کمک گرفته و با پرتاب چندین گاز اشک آور و سنگ دوباره هجوم کردند اما جمعیت قصد عقب نشینی نداشت مبارزه و پایداری جوانان این منطقه که به سلسبیل معروف است واقعا شورانگیز بود.

کمی بعد یک فروند هلیکوپتر از فاصله پانین از روی تقاطع رد شده بطوری که سرنشینی که دستش از پنجره بیرون بود دیده می شد. بسیاری از مردم فوری سنگ گرفتند. از سمت خیابان کارون بطرف تقاطع، ماشین بزرگ آب پاش حرکت کرد که بلافاصله چند سنگ نصیبش شد و بعد از گشودن آب بر چند نفر که کنار ایستاده بودند فوری دور زد و راهش را کشید و رفت!

بار دیگر شور و شوق جمعیت را فرا گرفت اما خبر رسید که گله ای از نیروهای بسیجی از پانین در حال آمدن بطرف بالا هستند و نیروهای گاردی نیز از بالا اما جوانان روحیه خود را نباختند و تصمیم گرفتند درسی ابتدا به بسیجی ها بدهند و بعد برگردند و حساب گاردی های خسته و درمانده را برسند. در عرض چند دقیقه با یورش هم چون جنگ های دوره قدیم چند تن از نیروهای بسیجی را دستگیر کرده و کتک زدند و چند نفرشان که مجروح شده بودند را تحویل آمبولانسی که در محل حاضر بود دادند و بعد دوباره به سمت بالا هجوم بردند و نیروی سپاه را عقب نشاندند. درود بر جوانان مبارز و غیور منطقه سلسبیل که علیه رژیم مبارزه کرده و جان های عزیز بسیاری را نثار مبارزه در راه رهایی و آزادی مردم کرده اند.

نیروهای حکومت مستاصل و در مانده تقاضای نیروی بیشتری کردند که در جواب آن با وجودیکه نیروهای موتور و در حال برگشت به یادگاتشان بودند چندین موتوری با دو سرنشین به جمعیت حمله کردند اما نا کار شده و برگشتند!

در مدت کوتاهی ده ها نیروی نظامی به توسط وانت به محل آورده شدند اما بازم جمعیت در حال مقاومت بود. در بالای خیابان رودکی نیروهای بسیجی و چماقداران یونیفرم پوش به مردمی که در کوچه های فرعی نظاره گر بودند حمله کرده و گفتند که متفرق شوید. اما کسی از جایش تکان نخورد بسیجی یونیفرم خاکستری- پلنگی پوشی عصبانی از کتک خوردن چند جانی همکارش به مرد جوانی که می گفت می خواهد به سمت محله اش برود تهنیب زد که دور شود. اما مرد از جایش تکان نخورد بسیجی پر رو بناگهان کلت کشید و چند بار تهنیب زد که می ری یا نه و بعد چند بار با لگد به کمر او کوبید و سپس دور شد و بعد شخصی پوشی آمد و همان اراجیف را تکرار کرد و زمانیکه مردم به کلت کشیدند و نشانه رفتن آن به یک غیر نظامی اعتراض کردند، گفت: اینها دارند خونریزی می کنند و بهتر است که بروید. اما جمعیت جواب داد: شما هستید که باید بروید تا احمدی نژاده هر شب همین بساطه!

در بزرگراه نواب که در این ساعت شب همیشه خیلی شلوغ بود، در اثر درگیری خلوت بود. عابری گفت که نزدیک به ۹ جسد را که توسط نیروهای سپاه کشته شده بودند را به چشم خود دیده است.

نیروهای حکومت نسبت به جمعیت کم هستند پس باید به چوب و سنگ و فلاخن مجهز شد و حسابشان را رسید. تهور نقش مهمی در این نبردها بازی خواهد کرد.

درگیری تا ساعت ده شب در خیابان رودکی و قصرالدشت و بزرگراه نواب ادامه داشت بجز چند بسیجی و سپاهی که نقش فرمانده را داشتند، باقی نفراتشان کلا روحیه خودشان را باخته بودند. تنها نیروهای موتوری که فقط کارشان ویراژ دادن در خیابانهاست ژست پیروزی به خود گرفتند. محل عبور و مرور اتوبوسهای بی آر تی منحصر در اختیار اینان بود که بنوعی بایستی راهشان را بست.

تظاهراتی برای روز یکشنبه فراخوانده نشده بود اما جمعیت بسیار زیادی تقریباً بدون درگیری از میدان بهارستان بسمت میدان هفت تیر با موفقیت راهپیمایی کردند.

نیروهای ضد شورش اساساً بین میدان انقلاب تا میدان آزادی مستقر بوده و ژست حفاظت از بانک ها را بخود گرفته بودند.

کاتال های ماهواره ای صحنه دردناک کشته شدن ندا سلطان دختر جوان دانشجوی فلسفه که در اثر شلیک یک بسیجی از روی بامی در خیابان کارگر شمالی واقع در امیرآباد در کنار پدر یا استادش جان باخت را نشان داد که باعث خشم و ناراحتی بسیاری از مردم شده است. مرگ بر سرکوبگران بزدل خلق!

در مورد روشهای ناکار کردن نیروهای موتوری و پیاده بایستی چاره اندیشی کرد یک روش استفاده از سیم خار دار است و یا میخهای ستاره ای برای پنجر کردن نیروهای موتوری یا پهن کردن سیمها یا طنابهایی در خیابان که به محض حمله آنها بشود از دو طرف آنرا کشید و یا موتور را با سرنشینی سرنگون کرد یا فقط سرنشین جانشین را بشدت ناکار کرد.

در بخشهایی از شهر سعی می کنند حکومت نظامی برقرار کنند یعنی تجمع چهار نفر بیشتر ممنوع. تعداد زیادی لباس شخصی در اتوبوس ها آیه یاس سر می دهند. مردم ساکت و خشمگین هستند .

برای سه شنبه احتصاب عمومی فراخوانده شده اما صد درصد نیست. بر خلاف تصور بسیاری اینگونه نیست که در قسمت های جنوب شهر کودتاچیان پایه دارند. اما واقعیت این است که متوسط های شمال شهری خیلی فعاندند. در حالیکه متوسط های تازه دوران رسیده جنوب شهر محافظه کارند. البته نیاز به تحلیل سیاسی بیشتری از صف بندیهای طبقاتی در خیزش کنونی است.

معرفی ندا آقا سلطان جانباخته راه آزادی مردمان ایران



اطلاعات تکمیلی درباره ندا شهید راه آزادی در تهران

بنا بر گزارش های رسیده از بستگان نزدیک دختری به نام ندا که روز ۳۰ خرداد در محله امیر آباد تهران به شهادت رسید نام کامل وی ندا آقا سلطان بوده است. وی متولد ۱۳۶۱ بوده است. وی در روز ۳۰ خرداد به همراه استاد دانشگاهش (رشته فلسفه) و چند تن از هم کلاسی هایش در تظاهرات شرکت داشته است. وی برای دقایقی در حالی که با موبایل صحبت میکرد از جمع تظاهر کننده عقب می افتد که در این هنگام ۲ لباس شخصی موتور سوار (موسوم به بسیجی) قلب ندا را با کلت کمری هدف قرار می دهند. وی در دستان استادش جان می سپارد. ولی این موتور سواران توسط مردم متوقف می شوند و بنا به این گزارش توسط مردم دستگیر می شوند. بنا بر گزارش تایید نشده ضارب اصلی کشته شده است. ظهر روز ۳۱ خرداد (روز بعد از شهادت) پیکر ندایه شرط خاکسپاری سریع و محرمانه در بهشت زهرا به خانواده اش تحویل شده است. خاکسپاری وی تحت شدیدترین تدابیر امنیتی و با سرعت بسیار انجام شده است. گفتنی است که هم اکنون خانواده وی بعد از خاکسپاری ندا آقا سلطان به خانه باز گشته اند. مراسم یادبود ندا قرار بود فردا اول تیر ساعت ۵ تا ۶:۳۰ در مسجد نیلوفر واقع در عباس آباد تهران برگزار شود که با تماسی از طرف مسجد این مراسم لغو شده است. همچنین به تمام مساجد تهران دستور داده شده است که اجازه برگزاری مراسم ندا آقا سلطان را ندارند.

بازداشت خبرنگار نیوزویک در تهران

منابع خبری از بازداشت خبرنگار هفته نامه آمریکایی نیوزویک در ایران خبر دادند. به گزارش بی بی سی، مازیار بهاری، روزنامه نگار و فیلم ساز تبعه کانادا و خبرنگار هفته نامه آمریکایی نیوزویک در تهران دستگیر شد. این هفته نامه طی بیانیه ای بازداشت بهاری را تایید و آزادی هرچه سریع تر وی را خواستار شده است. ۱ تیر ۱۳۸۸

فراخوان نهادهای مدنی و فعالان سیاسی و مدنی در کردستان

سه شنبه، اعتصاب عمومی در کردستان!

نهادهای مدنی کردستان، مردم کردستان را دعوت کردند

تا روز سه شنبه، در اعتصاب عمومی شرکت کنند ...

بیانیه سازمان حقوق بشر کردستان:

محکومیت سرکوب و کشتار شهروندان و حمایت از اعتراضات و مطالبات مردم ایران.

آنگونه که طی روزهای اخیر شاهد بوده ایم در پی اعلام نتایج دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در ایران و انتخاب مجدد محمود احمدی نژاد به عنوان رئیس جمهور که بنا بر اظهار دیگر رقبای ایشان و نیز منابع آگاه و بی طرف، در نتیجهی تقلبات گسترده و سازماندهی شده صورت گرفته است موجی از اعتراضات مردمی سراسر کشور را فرا گرفته است.

این اعتراضات که بیشتر خود را در شکل تجمعات و تظاهرات های خیابانی در چند شهر بزرگ ایران و به طور گسترده، متداوم و متمرکز در

تهران نشان داده است با تاکید بر روش های مدنی و استفاده از حق قانونی شهروندان در انجام راهپیمایی های خیابانی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز به آن اشاره شده است به صورتی کاملاً خودجوش و مسالمت آمیز از سوی شهروندان معترض صورت می پذیرد.

اما متأسفانه برخوردهای خشونت آمیز نیروهای انتظامی، گارد ضدشورش و به ویژه افراد موسوم به لباس شخصی با شرکت کنندگان در این گونه تجمعات خیابانی هیچ سنجشی با ماهیت و نوع اعتراضات آنان که در دفاع از حق خویش و اکثراً بدون شعار و در سکوت برگزار می شود نداشته و هیچ توجیه ای برای اعمال این همه خشونت و سرکوب به شکل ضرب و شتم مردم و حتی اقدام به تیراندازی به سوی آنان که تا کنون منجر به مجروح و کشته شدن شمار زیادی از هممیهنان بی گناه و بی دفاع شده است نمی توان یافت. مگر آنکه انجام این گونه اقدامات سرکوبگرانه و اعمال چنین برخوردهای خشونت آمیزی با شهروندان و نیز دانشجویان معترض را در کنار بازداشت های گسترده فعالان سیاسی منتقد طی هفته ای اخیر در ادامه ی پروژه تقلب سازماندهی شده در انتخابات و یا به تعبیر برخی تحلیلگران سیاسی کودتای نرم علیه جمهوریت نظام و حرکت در مسیر دیکتاتوری و خفقان مطلق قلمداد نمود.

سازمان دفاع از حقوق بشر کردستان ضمن آن که دعوت به برگزاری و انجام تجمعات و راهپیمایی های مسالمت آمیز خیابانی را حق نامزدهای معترض و شهروندان ناراضی می داند و هر گونه برخورد خشونت آمیز از سوی نیروهای مسلح وابسته به حکومت در سرکوب آنان را محکوم می نماید از خواست ابطال این انتخابات و برگزاری یک انتخابات آزاد و دموکراتیک تحت نظارت ناظران بی طرف و بین المللی که مورد تایید و تاکید فعالان و نهادهای داخلی و بین المللی سیاسی و حقوق بشری نیز می باشد حمایت می کند.

سازمان دفاع از حقوق بشر کردستان همچنین با ابراز تأسف و تأثر شدید از جان باختن تعدادی از هممیهنان طی وقایع اخیر و نیز با ابراز نگرانی از وضعیت شهروندان عادی و فعالان سیاسی بازداشت شده توسط نهادهای انتظامی، امنیتی و قضایی خواهان آن است تا مقامات مسئول در جمهوری اسلامی ایران ضمن پایان بخشیدن به هر گونه سرکوب و رفتار خشونت آمیز با معترضان با آزادی بدون قید و شرط بازداشت شدگان، فراهم نمودن امکانات لازم جهت مداوای مجروحان و دلجویی از خانواده جان باختگان و پرداخت غرامت به آنان از گسترش بیش از پیش خشونت و درگیری در جامعه جلوگیری نموده و با گردن نهادن به خواست عمومی مبنی بر ابطال انتخابات اخیر و برگزاری مجدد آن تحت شرایط اعلام شده موجبات آرامش جامعه و رضایت خاطر شهروندان را فراهم آورد.

سازمان دفاع از حقوق بشر کردستان در پایان با اعلام این که مسئولیت هر گونه نقض حقوق بشر، ایجاد درگیری و خون ریزی را متوجه دستگاه حاکمه و نیروهای مسلح وابسته به آن می داند از شهروندان کرد در ایران درخواست می کند تا آنان نیز به طرق مدنی و ممکن از قبیل مشارکت در اعتصاب عمومی روز سه شنبه در کردستان که از سوی گروه هایی از کنشگران کرد اعلام شده همبستگی و حمایت خود را از هممیهنان شان در شهرهای مختلف ایران اعلام نموده و هم صدا با مردم ایران علیه نقض فاحش حقوق بشر، بازداشت ها، توقیف روزنامه ها، فیلترینگ سایت ها و کشتارهای اخیر که چند شهروند کرد نیز از جمله قربانیان آن بوده اند اعتراض کنند.

بیانیه ی کانون نویسندگان کردستان!

سراجم انتخابات خرداد ماه همچون سایر انتخابات ایران، غیر دموکراتیک و در راستای خواست و اراده ی حاکمیت بود، انتخاباتی که با خون مردم رنگین شد. این انتخابات غیر دموکراتیک تنها دریچه ای بود که می توانست بخشی از خواسته های سرکوب شده ی مردم از آن فوران و خوندلمی کند. شرکت مردم در واقع ایجاد موجی گسترده بود برای احقاق حقوق اجتماعی، انسانی و مدنی خود.

کانون نویسندگان کردستان ضمن محکوم کردن کودتای حاکمان و مصدوره ی آرای مردم، همچنین درک باری قدرت و رقابت های جناح های حاکم، کشتار مردم و سرکوب آنها و مصادره ی آراء آنها را محکوم نموده، همراه با فراخوان دانشجویان و سایر نهادهای مدنی کردستان، از مردم شریف کردستان می خواهد در روز سه شنبه همگام با سایر مردم کشور در یک اقدام متحد و یکپارچه، اعتراض خود را از راه های مدنی و مسالمت آمیز نسبت به موج سرکوب و وضعیت خونین فعلی ایران اعلام نمایند.

کانون نویسندگان کردستان در آینده‌ای نزدیک برای تعقیب زمامت تحولات و شرایط موجود، تحلیلی دقیق از حوادث پیش روی را ارائه خواهد داد.

بیانیه فعالان سیاسی و مدنی کردستان و دانشجویان کرد در دانشگاه‌های ایران:

به اعتصاب سراسری مردم کردستان به نشانه همبستگی با مردم ازادخواه ایران ملحق شوید. هموطنان مبارز!

نتیجه دهمین انتخابات ریاست جمهوری، به یغما بردن میلیون‌ها رای شما از سوی حاکمان حکومتی تمام شد؛ نتیجه‌ای که نه خواست شما و نه خواست مردم کردستان بود. مردمی که به امید تغییر در سرنوشت سیاسی خود با توجه به ساختار غیردموکراتیک حکومتی در ایران باز هم به پای صندوق‌های رای رفتند و یکصدا نه بزرگی به حاکمان خودخوانده دادند.

مردم کردستان در هفته‌های اخیر همگام با برپایی اعتراضات گسترده مردم ایران، همگام با فعالان سیاسی، احزاب و سازمان‌های جامعه مدنی در کردستان با شما بودند و با شما خواهند بود و هم اینک به پاس گرمیادداشت خونهای به ناحق ریخته شده جوانان این مرز و بوم از سوی دیکتاتورهای حکومتی، روز سه شنبه را تبدیل به اعتصاب عمومی و سراسری در کردستان ایران خواهند کرد.

هموطنان ایرانی!

روز سه شنبه برابر با ۲ تیر، مردم کردستان در یک اعتصاب عمومی و سراسری به نشانه همبستگی با مبارزه ایرانیان شرکت خواهند نمود. از شما می‌خواهیم با ما باشید و در این جبهه نوین برای تحقق آزادی‌های انسانی‌مان ما را یاری نمایند.

از عموم مردم قهرمان کردستان که در هفته‌های اخیر هم ناراضی‌های چشمگیر خود را به اشکال دیموکراتیک نشان داده‌اند می‌خواهیم به نشانه اعتراض به سرکوبی در این روز در خانه‌های خود بمانند و مغازه‌ها و بازار یکپارچه تعطیل خواهند شد و از رفتن به سر کار و ادارات خوداری نمایند.

فعالان سیاسی و مدنی کردستان

دانشجویان کرد در دانشگاه‌های ایران

۱ تیر ۱۳۸۸

نامه درونی مقام سرکوبگر رژیم به علی خامنه‌ای نشان می‌دهد که "رهبر جمهوری اسلامی"، خود در رابطه با صدور دستور سرکوب تظاهرات مردم، نقش‌آمر را داشته است.

به علاوه این متن، اشاره دارد به نیروهایی از لشکر سرکوبگر رژیم "در انجام وظائف خود جهت سرکوب تجمعات و اغتشاشگران تعلل کرده‌اند".



بازداشت شدگان نهضت آزادی!

به اطلاع هم‌میهنان شریف و آزاده می‌رساند بنا بر اخبار رسیده در ساعات پایانی یکشنبه شب ۸۸/۰۳/۳۱ مأموران امنیتی به منزل آقای محمد باقر علوی مراجعه و پس از بازرسی منزل ایشان را دستگیر و به همراه خود برده‌اند.

همچنین در ساعت ۱۲:۳۰ روز دوشنبه یکم تیر مأموران امنیتی به دفتر کار آقای فخرالدین حکیمی مراجعه و پس از بازرسی محل، ایشان را نیز پس از دستگیری به همراه خود برده‌اند. متأسفانه از نوع اتهام، نحوه ابلاغ و محل بازداشت دو عضو یاد شده اطلاعی در دست نمی‌باشد. .. تعداد اعضای کماکان در بازداشت نهضت آزادی ایران تا کنون به ۱۶ نفر رسیده است.

بیانیه عفو بین‌الملل

در مورد دستگیری عبدالفتاح سلطانی

فراخوان فوری ۱۶/۰۹/۰۹ دستگیری خودسرانه زندانی وجدان ایران عبدالفتاح سلطانی، وکیل، مدافع حقوق بشر

عبدالفتاح سلطانی، وکیل و مدافع حقوق بشر در روز ۱۶ ژوئن ۲۰۰۹ دستگیر شد و محل نگه‌داری او در حال حاضر نامعلوم است. دلایل دستگیری او ناروین است ولی احتمالاً به رویدادهای جاری در ایران مربوط است. عفو بین‌الملل بر این باور است که عبدالفتاح سلطانی یک زندانی وجدانی است و باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شود. عبدالفتاح سلطانی در حدود ساعت چهار بعد از ظهر روز ۱۶ ژوئن ۲۰۰۹ به وسیله مأموران امنیتی لباس شخصی در دفتر خود در مرکز تهران دستگیر شد.

مأموران که حکم تجسس، حکم احضار یا حکم بازداشت نداشتند، دفتر او را مورد بازرسی قرار دادند. آنها پرونده‌های او، کیف دستی، کامپیوترها و تلفن همراه او را ضبط کردند و او را با خود بردند.

عبدالفتاح سلطانی عضو کانون مدافعان حقوق بشر است که شیرین عبادی، برنده جایزه نوبل صلح، و بسیاری از فعالان برجسته حقوق بشر در ۲۰۰۲ تاسیس کرده‌اند. این کانون در دسامبر ۲۰۰۸ درست پیش از برگزاری مراسم بزرگداشت شخصیت سالگرد بیانیه جهانی حقوق بشر به زور تعطیل شد. کانون مدافعان حقوق بشر که اعضای آن به نام کانون به فعالیتشان ادامه می‌دهند، سه نقش اعلام شده دارد: گزارش موارد نقض حقوق بشر در ایران، وکالت رایگان زندانیان سیاسی و حمایت از خانواده‌های زندانیان سیاسی.

عبدالفتاح سلطانی در سال ۲۰۰۸ قصد داشت در انتخابات هیات مدیره کانون وکلای مرکز شرکت کند، اما نامزدی او بر اساس عدم صلاحیت رد شد. عبدالفتاح سلطانی در سال ۲۰۰۵ دستگیر شد و مدت ۲۱۹ روز را در بازداشت گذراند که از این مدت ۴۳ روز آن در حبس انفرادی بود. در سال ۲۰۰۶، او پنج سال زندان محکوم شد که از این میزان چهار سال آن به خاطر افشای اسناد محرمانه، و یک سال به خاطر تبلیغ علیه نظام بود. در ۲۸ مه ۲۰۰۷، او از تمام اتهام‌های اقامه شده از زمان دستگیری در ژوئیه ۲۰۰۵ تبرئه شد. از آن پس مسافرت او به خارج از ایران، حتی برای دریافت جوایز اعطایی به خاطر فعالیت حقوق بشری، ممنوع بوده است.

۱۹ ژوئن ۲۰۰۹ (۲۹ خرداد ۱۳۸۸)

یک خبر انا بر یک خبر تلفنی از کرمانشاه

شنبه سی خرداد در این شهر تظاهرات گسترده‌ای بر پا شد و در خیابان بهار بر اثر تیراندازی مأموران انتظامی سه تن کشته شدند اما شمار زخمی‌ها و بازداشت شده‌گان زیاد است. تا پایان روز شهر به کنترل نیروهای انتظامی و لباس شخصی در آمد و هم اکنون در سرتاسر شهر حکومت نظامی برقرار است و نیروهای انتظامی، در کنار پاس‌داران و بسیجی‌ها در میدان‌های اصلی شهر و چهار راه‌ها مستقرند و با در خیابان‌ها گشت می‌زنند. نکته‌ی جالب در مورد لباس شخصی‌ها، تردید در هویت آنان است زیرا بیش‌تر آن‌ها با صورت‌های پوشیده ظاهر می‌شوند و آنانی هم که پوششی به صورت ندارند با مردم سخن نمی‌گویند و حتی به پرسش‌های ره‌گذران هم پاسخ نمی‌دهند و مردم بر این پندار هستند که این لباس شخصی‌ها، فارسی‌بلد نیستند و از کشورهای عربی آمده‌اند. آن‌چه که این شایعه و یا این پندار را تقویت می‌کند و در مورد لباس شخصی‌های تهران و دیگر شهرستان‌ها هم گفته می‌شود شدت توحش آنان است در برخورد با تظاهرکننده‌گان!

بازداشت عیسی سحرخیز

در ادامه موج بازداشت‌ها بر اساس تازه‌ترین خبرها عیسی سحرخیز نیز بازداشت شده است. بر اساس یک خبر دیگر از توییت جبهانبخش خنجرانی در تماسی کوتاه از زندان با خانواده اش گفته است که "می‌خواهند تمام اعتراضات را به عنوان اغتشاشات به ما نسبت دهند". ۱ تیر ۱۳۸۸

خامنه‌ای، کشتار و سرکوب‌های اخیر!